

صنعت، در بوته داغ یک آزمایش تاریخی

تردید نیست که بخش صنعت یکی از ارکان اقتصاد ملی است و یک بخش صنعت کارآمد می تواند در تولید ملی، در ایجاد اشتغال، در توسعه صادرات و ارزآوری و در اصلاح تراز بازرگانی خارجی و دیگر شاخص های اقتصادی جامعه تأثیر بسزایی داشته باشد. اما مدت ها است که این رکن اقتصاد ملی دچار بیماری و عدم کارایی شده و پیام های ناخوشایندی از زوایای این بخش به گوش می رسد. گروهی از فعالان اقتصادی کشور که دست اندرکار فعالیت های صنعتی هستند، از انبوه نارسایی ها و تنگناها می نالند و مدیران و برنامه ریزان اقتصادی جامعه نیز در جستجوی راهکاری مناسب

برای حل مشکلات بخش صنعت به هر دری سر می زنند و بعضی ها هم چون درمان را دور از دسترس می بینند، لذا دلشان را به یک داروی مسکن و مقطعی خوش کرده اند.

روبهرفته، مجموع این رویدادها پرسش هایی را برای ما ایجاد کرد و لازم دانستیم که در اولین شماره مجله قسمتی از صفحات را به بخش صنعت اختصاص دهیم و برای جستجوی پرسش سوالات خود، تلاش کنیم.

در نخستین گام به سراغ یکی از مسوولان آگاه نسبت به مسایل بخش صنعت رفتیم، مسوولی که با داشتن تجربه کافی، در حال حاضر نیز بخش عمده ای از بار مشکلات بخش صنعت را

به دوش می کشد. آقای سیدمصطفی انگجی، مدیرکل صنایع استان تهران طرف گفتگوی ماست و در رابطه با پرسش های زیر به سخن پرداخته است:

۱) مشکلات اصلی بخش صنعت کشورمان چیست؟

۲) چگونه می توان این مشکلات را برطرف کرد؟

۳) بسیاری از دست اندرکاران صنایع کشورمان - از وزیر محترم صنایع گرفته تا مدیران محترم در استان ها و صاحبان صنایع و کارخانه داران و... - عمده

مشکلات خود را در عدم تأمین مالی و عدم دریافت تسهیلات از سیستم بانکی خلاصه می کنند و بدین لحاظ به سیستم بانکی می تازند. این ادعاها و این

توقع ها تا چه حد صحیح است و از کجا به بعد از قلمرو صحت خارج می شود؟

۴) به عنوان نمونه ای از وضعیت حاضر، مشکلات بخش صنعت نساجی چیست و برای نجات این صنعت چه باید کرد؟

بدیهی است که در حین جستجوی پاسخ این سوالات، به دیگر مسایل هم پرداختیم، مسایلی مانند: ارتباط صنعت با دانشگاه - سوءمدیریت ها در صنایع - کمبود تحقیق و پژوهش در صنعت - افزایش بی رویه موافقت اصولی ها - استفاده از مهندسان و متخصصان در امور غیر تخصصی آنها - عدم مهارت فنی کارگران و...

بهبتر است مقدمه را کوتاه کنیم و به متن بپردازیم.

پنهان به لحاظ پیچیدگی ساختار اداری و اندیشه ها، بیش از حد نمایان است.

*** امروزه، انتظارات ما بیش از منابع ماست.**



▲ **مهندس انگجی معتقد است که بخش صنعت جای تولیدکنندگان واقعی است.**

علاوه بر این، امروزه انتظارات انسان ها زیاده از منابع است و برای نگهداری منابع و توسعه و افزایش درآمد و ایجاد اشتغال، باید رسالت خود را ایفا کنیم. هنگامی که سرمایه برای ایجاد واحد جدید به مصرف می رسد، ولی کالایی تولید نمی شود، بی تردید پس اندازها و منابع از بین رفته است.

ما با نوآوری ها، بهینه سازی ها و تطبیق تولید با تکنولوژی، بیگانه ایم. مدیران واحدهای صنعتی با موضوع عدم اطلاعات کارگران خود روبرو هستند و مکانیزم اداری فعلی با روند تولید تناسب ندارد.

● ارتباط بین گلیم و پای دراز شده

اکنون، دو کار اصلی در کشور در حال شکل گرفتن است که باید به محتوای آنها توجه شود: مهندسان باسواد و کارگران آگاه کشور در صنایع آنگونه که باید، مورد عنایت نیستند.

● نان و پیاز خوردن یعقوب لیث

انگجی می گوید: زمانی از یکی از مسوولان بانک مرکزی شنیدم که می گفت ما باید جامع نگر باشیم. این حرف مرا به یاد جلسه ای انداخت که در دانشگاه با دانشجویان داشتم. در آن دیدار صادقانه، از این که بین دانشگاه و صنعت اینگونه اختلاف نظر موجود است، حرف زدم و گفتم: زمان یعقوب لیث صفار و خوردن نان و پیاز و غیره گذشته است. ما باید به دنبال رفع معضلی باشیم که همانا اختلاف فاحش بینشی و علمی در کارهاست: در تولید و صنعت، در ساختار اداری، در ارتباطات اجتماعی. ما اینک، باید عمیق و دقیق به این مسأله بیندیشیم که زمان پخته خواری از نفت گذشته. الان، در همه جا بحث از کمبود نقدینگی است. این حرف را همه می زنند، از وزیر گرفته تا من مدیرکل و آن کارشناس و فلان مدیر واحد تولیدی، و همچنان رایج و جاری است، اما من علاوه بر این سخنان، می گویم: ما با کمبود پنهان مواجهیم. این کمبود



● نقش تحقیقات

تحقیقات در کشور بسیار مهم است و پژوهش و کنکاش در امور صنعتی، موجبات افزایش تولید را در همه زمینه‌ها فراهم خواهد آورد. فی‌المثل، وقتی شنیده می‌شود که موضوع تولید یک ماده شیمیایی مورد توجه سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی قرار گرفته، متقاضیان ایجاد واحدهای تولیدی هم به آن توجه می‌کنند. بعد عنوان می‌شود که برای وارد کردن این نوع ماده شیمیایی، مثلاً ۱۵ میلیون دلار هزینه شده است. بنابراین، ما مجبوریم برای تولیدات خود تکنولوژی وارد کنیم، حال آنکه امکانات تحقیقاتی ما کاهش یافته است.

*** نسوم ابزار در حال تسلط بر سخت‌افزار است و ما از این واقعیت غافلیم.**

▲ نخ و مواد اولیه تولیدی ایران فاقد انسجام لازم است.

هم‌اکنون حذف کنیم، البته در بخش تولید، تا آن کسی که تولید نمی‌کند، برود به دنبال کار خودش. کسی که به انکای پول به صنعت آمده و آبروی صنعت را برده و از صنعت گنج می‌خواهد و سواد صنعت را ندارد و به علم و دانش آن هم آگاه نیست، چه سود که در صنعت بماند و جای دیگران را بگیرد!

*** کسی که در بخش صنعت کار تولیدی نمی‌کند و جای دیگران را تنگ کرده، بهتر است به دنبال کار دیگری برود.**

امروزه، صنعت شکل خود را عوض کرده و نرم‌افزار در حال تسلط بر سخت‌افزار است و ما حقیقتاً از بابت این بی‌توجهی بهای سنگینی را پرداخته‌ایم.

اینک، پیچیدگی حاکم بر جامعه و بوروکراسی سخت و طاقت‌فرسا، عملاً بخش صنعت را دچار منخمصه‌ای ساخته است که نمی‌دانیم چه باید بکنیم.

*** بانک‌ها نباید رسیدگی به درخواست تسهیلات را اینقدر کُش بدهند.**

امروزه، مزیت نسبی وابسته به بهره‌وری با انرژی ارزان است. مکانیزم تحقیقات به ما نشان می‌دهد که چه چیزی در این مورد حکایت از افزایش تولید می‌کند. بعضی از کشورها، امروزه خط تولیدات سالیان قبل خود را به کشورهای دیگر داده‌اند، مثل فاستونی که انگلیسی‌ها آن را به کشورهای جهان سوم هدیه کرده‌اند.

تولیدشان هم متوقف شده است، از سهمیه آرد و شکر و غیره که با سوسید به آنها داده می‌شود، درآمدهای مورد نیاز خودشان را تأمین می‌کنند.

● صنعت سوسیدی و مرثیه الحاق به گات!

ما اکنون ۱۲ میلیارد دلار سوسید انرژی داریم و این، یعنی بالاترین رقم برای حمایت از تولید، اما به کجا رسیده‌ایم؟ به ناکجاآبادی که نمی‌دانیم چه باید کرد.

ما اگر در سال‌های آینده بخواهیم عضو گات بشویم، با حذف سوسیدها کمر قتل خود را بسته‌ایم. گات دیگر سوسید را قبول ندارد. واحدهای صنعتی و تولیدی ما در سازمان جهانی تجارت در کجا قرار دارند؟ ما باید سوسیدها را

● تسهیلات بانکی کجاست؟

بانک‌های ما امروزه در مجموعه‌ای از گیروداردهای عبث گرفتار شده‌اند. امروزه ۱۴۵ هزار واحد تولیدی که در استان تهران فعالیت دارند، در ارتباط با بانک‌ها با مشکل دست و پنجه نرم می‌کنند و اینک ۷۰۰ واحد با طرح‌های تازه برای تولید، آماده دریافت تسهیلات بانک‌ها هستند.

اما برخی از مدیران، - متأسفانه - دورتر از بینی خودشان را نمی‌توانند ببینند و بر این اساس در کار تولید با مشکلات زیادی مواجه می‌شوند. امروزه سوسید در این کشور برای خیلی‌ها ممر درآمد شده است. بسیاری از واحدهای تولیدکننده، که به حد اشباع رسیده‌اند و خط

● به آموزش و مهارت بیندیشیم.

آموزش در واحدهای تولیدی به شدت مورد بی‌توجهی است. در استان تهران که ۶۶۶ واحد تولیدی در مرحله ساخت و ساز اداری و تولیدی است و رقم سرمایه‌گذاری آن‌ها نیز بالاست، نیاز ما به تخصص و اطلاعات و مهارت فنی محسوس است و جمع‌آوری آمار و ارقام در تولید هم با پژوهش و تحقیق توأم است.

گزاره کور مشکلات صنعت نساجی؛
موضوع ماشین آلات فرسوده
است.

ما اینک، ابتدا باید به پرورش و آموزش نیروی انسانی متکی باشیم. واقعیت این است که صنعت ما به تحقیق نیاز دارد. پول، حلال مشکل نیست. خیلی‌ها با جیب پر خود را وارد معرکه صنعت کرده‌اند، اما چه سود که نتوانسته‌اند صنعت را به جلو ببرند و باعث عقب‌ماندگی‌اش هم شده‌اند.

● بانک‌ها باید بچنبد.

بانک‌ها باید در اعطای تسهیلات تکلیف مردم و سرمایه‌گذار و صاحب صنعت را ظرف یک هفته روشن کنند. بانک‌ها باید با اعزام کارشناس و ملاحظه طرح توجیهی و برآورد وضعیت تولید، فوراً مسأله را حل کنند. اما در حال حاضر، بانک‌ها در دادن تسهیلات خیلی موضوع را کشدار می‌کنند. بانک‌ها باید کارشناسان خود را بسیج کنند تا در طرفه‌العینی مشکلات وام‌خوله برطرف شود.

● باز هم نیروی انسانی

مشکل دیگر، نیروی انسانی غیرماهر ماست. در دبیرستان‌ها چه چیزی به دانش‌آموزان یاد می‌دهند؟ همان پیازخوردن یعقوب لیث صفاری! این، آموزش نیست، بلکه ضدآموزش است. محصل یا دیپلمه ما چیزی در فکر و اندیشه ندارد. او فاقد نوآوری است. ما باید برای آینده کشورمان کاری کارشناسانه انجام دهیم. پس، آموزش جوانان باید در مدنظر باشد. تحصیل‌کرده دانشگاه هم به همین نحو مانده است، چون علم و اطلاعات کار را ندارد و اگر

هم داشته باشد، حواله‌نویس آهن می‌شود، یا متصدی سهمیه‌بندی در وزارت صنایع!

● و اما نساجی...

مشکل پدیدآمده در صنایع نساجی، موضوع ماشین‌آلات مستهلک است. صنایع نساجی امروزه درجا می‌زنند. پنبه و الیاف موجود در ایران به علت بی‌دانشی از کیفیت لازم برخوردار نیست. مردم به جنس خارجی بیشتر علاقه نشان می‌دهند و تولیدات صنعت نساجی اینک روی دست تولیدکننده‌ها مانده است.

نخ و مواد اولیه تولیدشده در ایران فاقد انسجام لازم است و ورود مواد اولیه از خارج هم با مشکل ارز و نقدینگی و واریزنامه و غیره مواجه می‌باشد.

● نتیجه

خواننده گرامی! همان‌طور که ملاحظه می‌کنید مشکل جدی است و باید همه به فکر راه‌حل باشیم. بالاخره، این مملکت مال همه ماست و همه در این ملک مشاع سهم داریم. نظر شما چیست؟

بانک و اقتصاد
 BANK VA EGHTESAD

برگه اشتراک

تاریخ

نام و نام خانوادگی مشترک:

سن: تحصیلات: شغل:

شماره‌های درخواستی: از شماره تا شماره

نشانی پستی:

شماره تلفن تماس:

مشترک گرامی

* هزینه اشتراک مجله برای ششماه ۱۵۰۰۰ ریال و برای یک سال ۳۰۰۰۰ ریال است. لطفاً هزینه اشتراک را به حساب بانکی شماره ۲۷۸۹۰۳۰۱ نزد شعبه سامان بانک تجارت (کد ۳۲۴) واریز کنید و فتوکپی رسید بانکی را همراه با برگه اشتراک تکمیل شده به نشانی زیر بفرستید:

تهران / خیابان حجاب / کوچه سوم / شماره ۱۱+۲ / صندوق پستی: تهران / ۱۴۱۵۵-۵۵۴۸